



روزانه ها ...

پیوندها قلم ها



خانه

آوردن این مطالب نه به معنای تأییدست و نه به انتقاد؛ تنها برای خواندن ست و ...

گاه روزانه های دیروز ... و امروز



آرآر (م) ایل بیگی

از آن و این ...  
از آن زمان و این زمان ...  
آرآر (م) ایل بیگی

(به نقل از: کیهان فرهنگی، سال دوم، شماره ۱۲، اسفند ۱۳۶۴، صفحه ۴)

اسلام در زندگی من یک گم‌شده نبود بلکه یک انجام بود.

ویژگی انقلاب اسلامی و ناسیونالیسم از دیگر سوالاتی بود که کارودی در این گفتگو به آنها به صورت زیر پاسخ گفت:

و نژاد و سروری اسلام در طول تاریخ از این جا آغاز گردید که انسان‌ها سعی کردند پیام ایمانی را از پیام اجتماعی اسلام جدا سازند. این مسئله در قرن چهارم هجری با فساد عمده بنی امیه و سپس بنی عباس آغاز گردید. از یک سو، مذهب و ایمان از جامعه جدا شد و به تشریفات شخصی تبدیل گردید، و از سوی دیگر پادشاهان و حکام وقت قدرت خود را سربایه ایمان و اسلام بنا نهادند. بنابراین، از طرفی شاهد تشریفات کهنه و خشک و از جانب دیگر سیستمی ظالمانه می‌گردیم و هنگامی که چنین می‌شود دیگر اسلامی وجود ندارد. در حالیکه، خصوصیت انقلاب اسلامی ایران - آنگونه که ما شاهد تحول آن بوده‌ایم - این است که برای نخستین بار، مذهب و مردم، ایمان و جامعه، همانند زمان پیامبر، یکدیگر می‌پیوندند و این به اعتقاد من چیزی کاملاً نوین است...

اما، من نظریه‌ای اساساً مذهبی دارم. برای من کاملاً واضح است که ناسیونالیسم یعنی از غرب الهام می‌گیرد. و این بر حسب اتفاق نیست که ناسیونالیست کشورهای که مدتها مسلمان بوده‌اند از افسران غیرمسلمان تولد یافته‌اند. بعنوان مثال، می‌توان ناسیونالیسم ترکیه را نام برد. پسر مسعودی این ناسیونالیسم، یعنی آتاترک، یک یهودی بود. ناسیونالیسم یعنی عراق از یک مسیحی بنام میشل علق تولد یافته است. این افراد، با امت یعنی جامعه بازرگانان بیگانه بودند، و ویژگی جامعه مدینه این بود که برای نخستین بار جامعه‌ای به وجود آمد که بر مبنای اشتراک نژاد، خون، سرزمین و یا تاریخ نبود، بلکه جامعه‌ای بود یا آغوشی گشوده به روی همه کسانی که دارای ایمانی مشترک به خداوند بودند. تنها این جامعه نمونه است که می‌تواند الگوی خوبی نیز باشد، به همین دلیل نیز بوضوح و سراحت و محکم می‌گویم که بعنوان یک مسلمان، به هیچوجه نمی‌توانم ناسیونالیسمی از نوع ناسیونالیسم یعنی یا هیچ ناسیونالیسم دیگری را بپذیرم.

### ۲- تشیست با کارودی در محل شورای عالی انقلاب فرهنگی:

در این نشست که با حضور دکتر احمد احمدی، دکتر نصرالله جوادی، دکتر عبدالکریم سروش، حجت‌الاسلام تسخیری و همچنین کیهان فرهنگی، تشکیل گردید، کارودی در مورد طرح‌های علمی در دست اجرای خود برای حاضران چنین توضیح داد: «ما اگر امکاناتی را که برای توسعه اسلام وجود دارد به کار ببریم و چهره واقعی اسلام را به غرب معرفی کنیم، فکر می‌کنم، بحران موجود در غرب را بشود حل کرد. این مسئله بکار در غرب به وسیله دانشگاه اسلامی فرطه عملی شده است. طی سه قرن، علوم، از طریق همین دانشگاه تمام اروپا را زیر نور خود قرار داد و روش تجربی در علم در آنجا گسترش پیدا کرد و خود بیکن به این مسئله اقرار می‌کند که او یک سری از مسائل و روش‌های «این سیستم» را که در قریطه یاد گرفته بود برداشته و نوشته است. در این دانشگاه سه عامل حکمرا بوده است:

- ۱- علم، به معنی امروزی کلمه.
- ۲- حکمت به معنی به کار گرفتن هماهنگ همه امکانات و استعدادها برای شکوفایی همه انسانها
- ۳- ایمان (وخی) به عنوان رابط و جهت دهنده آن دو. از این سه عامل که در واقع میراث دانشگاه قریطه



دیش از هر چیز باید بگویم، این که من اول کمونیست بودم، بعد مسیحی و مسلمان شدم به هیچوجه صحت ندارد. من در یک زمان هم کمونیست بودم و هم مسیحی این مسئله مربوط به سال ۱۹۳۳ می‌شود. یعنی در آن زمان که جهان دستخوش بحرانی بود که در سال ۱۹۳۹ از آمریکا آغاز شد و در سال ۱۹۴۳ در سراسر اروپا گسترش یافت. این بحران همزمان با قدرت رسیدن هیتلر بود. من نیز در این هنگام به مسیحیت روی آوردم زیرا فکر می‌کردم که در این اوضاع شلوغ و پیچیده باید بدنیال ارزش‌های مطلق بود. اما، مسیحیت ابزار کافی برای دست یافتن به این ارزش‌ها را در اختیار من قرار نمی‌داد. من در مارکسیسم بدنیال تحقیق درباره روشی که با آن بتوان اقدام و دخالتی در تاریخ کرد می‌گشتم و اگر امروز پس از وقایع بسیار مسلمان شده‌ام به این علت است که در اسلام ترکیبی از چیزهایی یافتیم که بطور جداگانه در مسیحیت و مارکسیسم بدنیال آنها بود. یعنی ایمانی که هم در زندگی خصوصی و هم در زندگی اجتماعی دارای بازتاب باشد، مذهب و جامعه را با خداوند و با انسان، یکدیگر پیوند دهد. بعنوان مثال، این بسیار پر معناست که در قرآن در ۵۲ مورد نماز با کات در رابطه است. یعنی ارتباط با خداوند همیشه به روابط با دیگران‌ها وابسته است. به عبارت دیگر،



### کارودی در تهران



اشاره:

روزه کارودی اندیشمند فرانسوی و صاحب نظر در زمینه‌های فلسفه و ادبیات و هنر به سال ۱۹۱۳ در مارس به دنیا آمد. در سال ۱۹۳۹ وارد ارتش فرانسه گردید. مدت سه سال (از ۱۹۴۰) در اردوگاه اسیران جنگی در الجزایر که تحت نظارت نیروهای آلمان نازی بود در اسارت به سربرد. در طی سالهای ۱۹۴۵ تا ۱۹۵۸ و ۱۹۵۹ تا ۱۹۶۲ به ترتیب نماینده مجلس و سناتور مجلس سنای فرانسه شد. در دوران عضویتش در رهبری حزب کمونیست فرانسه، کتاب‌های «مشکلات

مارکسیسم»، «تئوری مادیگری» و «مطالعات لندن» را نوشت. در پی اشغال چیکسلاواکی توسط ارتش شوروی، از حزب کمونیست فرانسه کناره گرفت. پس از تحقیقات بسیار، به سال ۱۹۸۲ به اسلام درآمد و نام رجاء را بر خود نهاد. «اسلام، دین آینده» و «اسلام و برنامه آینده» از جمله کتاب‌های او درباره اسلام و علیه تمدن غرب است. در پی کتابی که اخیراً به نام «ماجرای اسرائیل - صهیونیسم سیاسی» منتشر ساخت مخالف صهیونیسمی از او به دادگاه شکایت کردند. در کتاب «سیوگرافی قرن بیستم» که وضعیت نام فلسفی، اوست سیر تحول فکری و معنوی خود را از دوران جوانی تا گرایش به اسلام شرح داده است. او کتابی نیز به نام «فلسطین، سرزمین پیامبران» در دست تهیه دارد.

کارودی، در بهمن ماه گذشته، برای شرکت در مراسم دهه فجر به ایران آمد. آنچه در زیر می‌خوانید چکیده نظراتی است که در مدت اقامتش در تهران در یک گفتگو، یک نشست و یک سخنرانی بیان داشته است: